



کتابخانه آنلاین «طالقانی و زمانه ما»

مسئله ربا در اسلام

آقای احمد جلالی: مسئله‌ای که در هفته گذشته مهم‌ترین مسئله صحنه اجتماع ما بود، یا می‌توانیم بگوییم یکی از مسائلی بود، مسئله «اقدام انقلابی دولت موقت [انقلاب] اسلامی در جهت ملی کردن بانک‌های خصوصی» بود. مسئله‌ای که با استقبال شایانی از طرف مستضعفان ملت ما و همه آنان که به رشد واقعی مردم این مملکت علاقه دارند، مواجه شد. می‌دانیم که اساس بانک‌ها، که بر اساس سیستم غربی تأسیس شده و رشد کرده و لانه‌های فساد سرمایه‌داری است، بر ربا استوار است. اصلی که در قرآن به شدت و صراحت تحریم شده است. تصمیم گرفتیم طرح این موضوع، یعنی ملی شدن بانک‌ها توسط دولت و ریشه این مفهوم را در قرآن مورد بررسی قرار دهیم. در چند جای قرآن درباره مسئله ربا صحبت شده است. شاید در آیاتی که در مکه به پیامبر اکرم (ص) نازل شده، اگر اشتباه نکنم، فقط در سوره روم باشد که بحث از ربا می‌شود و ربا به شکلی که بعداً عرض می‌کنم مورد نکوهش و سرزنش و منع قرار می‌گیرد. در جاهای مختلف قرآن این بحث آمده است. در سوره بقره چند آیه به صراحت جوانب مختلف این مسئله را در ابعاد اجتماعی و عقیدتی مورد بحث قرار داده است. این هفته دیداری داریم با حضرت آیت‌الله طالقانی.

سؤال: حضرت آیت‌الله طالقانی! می‌دانیم که ملت ما قیام کرد و نهضتی بزرگ را آغاز کرد و تا اندازه‌ای به ثمر رساند و همچنان در راه این نهضت پیش می‌رود تا از زیر بار استضعافی که به آنان تحمیل کرده بودند، از جهات مختلف بیرون بیاید و خود را احیا و توانایی‌هایش را تجدید و راه خود را به کمتر مسئله‌ای به اندازه ربا مورد توجه قرآن قرار گرفته است، آن هم در

آن طرف تکامل باز کند. یکی از وسایل و ابزار استثمار و استضعاف مردم که در اثر نقشه‌هایی که غرب و اصولاً دستگاه‌های استثمار برای ما داشته و متجلی شده، «مسئله استضعاف اقتصادی است.» به‌طور کلی علاقمند هستیم که دربارهٔ تصمیم اخیر دولت که با استقبال عجیبی از طرف مردم ما روبرو شد - یعنی ملی کردن بانک‌ها - اساساً به مسئلهٔ ربا که عامل اصلی و محور استثمار اقتصادی است، بپردازیم. مسئله‌ای که گاهی عظمتش پنهان می‌شود و مردم نمی‌توانند تأثیرات آن را احساس کنند. با توجه به اینکه رباخواران، بدون اینکه ظاهراً وابستگی به شرق یا غرب داشته باشند، بدون اینکه ما آنان را مأمور سیا بدانیم، بدون اینکه وابسته به آمریکا و قدرت‌های استثمارگر بدانیم، گاهی وقت‌ها بزرگ‌ترین و شاید یکی از اساسی‌ترین محورها و نقاط اتکای دول استثمارگر و استثمارگر بوده‌اند و خون مردم را می‌مکیده‌اند. الآن که ما می‌خواهیم با قرآن زندگی کنیم، مسئلهٔ منع ربا در قرآن و رهایی‌ای که برای بشر از زیر بار این جنبهٔ استثمار در نظر گرفته، می‌تواند معجزه‌ای از قرآن در این عصر محسوب شود. ضرورت دارد که بدانیم این مسئله از دید قرآن چیست و روش مبارزه با رباخواری چگونه در این کتاب طرح شده است؟

آیت‌الله طالقانی: این کاری که دولت موقت اسلامی دربارهٔ ملی کردن بانک‌ها کرد، قطعاً کار جالبی بود و می‌شود آن را کاری انقلابی در متن انقلاب اسلامی [به شمار آورد]. ما انتظار داریم دولت از این کارها بیشتر و قاطع‌تر انجام بدهد. دوم اینکه [آن اسلامی که] مردم برایش خون دادند و قیام کردند، اسلام ذهنی نبود، بلکه اسلامی بود که باید اجرا شود، و [باید دانست که] استضعاف محسوس و مشهود، چه از طرف استعمارگرهای خارجی و چه از طرف قدرت‌های وابسته داخلی، از طریق همین مسائل اقتصادی، که در رأس آن مسئلهٔ رباست، ایجاد می‌شود.

ما امیدواریم که این ملی کردن بانک‌ها به تدریج به از میان رفتن ریشهٔ فساد اقتصادی، یعنی ربا منجر شود. مسئلهٔ ربا مهم‌ترین مسئله‌ای است که قرآن مطرح کرده است. شاید از میان احکام قرآن و فرمان‌های امر و نهی آن، روز دنیا که مسئلهٔ ربا در بین کشورهای شرق و غرب امر رایجی بود. در آن

زمان عرب در رباخواری متأثر از کشورهای دیگر بود. امروز، بیشتر می‌توانیم لمس کنیم که ربا چه فاجعه‌ای برای اقتصاد ملتی است که بخواهد به حیات اقتصادی خود ادامه دهد. در این چندسال می‌دیدیم که هرچه قدرت استعمار و وابسته‌های داخلی‌اش بیشتر می‌شد، به همان نسبت آن لانه‌های فساد و استعمار- به اسم بانک- بیشتر توسعه پیدا می‌کرد و همان مسئله بود که اقتصاد ما را به طور کامل فلج کرد و آن را به غارتگرها و سرمایه‌دارهای خارجی و وابستگان به اروپا وابسته کرد. از یک طرف، عده‌ای با باز کردن این دگه‌های غارتگری و دزدی روز به روز چاق‌تر و وابسته‌تر شدند و، از طرف دیگر، مردم روز به روز به ضعف اقتصادی و مادی کشانده شدند و این مسئله فاجعه بزرگی بود.

از مسئله ربا سؤال کردید. ان‌شاءالله دولت انقلابی مرحله اول را می‌گذراند تا مسئله ربا به صورت بانک‌های غیرربوی حل شود و ما بتوانیم از جنبه اقتصادی چهره عالی اسلامی را به دنیا نشان بدهیم که بدون ربا و بدون بانک‌های ربوی و غارتگری، می‌توانیم اقتصاد خودمان را صورت دهیم. البته [حل شدن این مسئله] مقداری مربوط به قاطعیت دولت است، و مقداری هم مربوط به مردمی که انقلاب کردند. مردم باید عوارض و جنبه‌های عارضی این مسئله را تحمل کنند. من امیدوارم مردم مدتی این عوارض را تحمل کنند و بعد به یاری خداوند این مسئله به صورتی بسیار بهتر و از جهت وضع اقتصادی سنجیده‌تر، حل شود.

چون شما این سؤال را کردید، من هم از قرآن جواب شما را می‌گویم. قرآن در جاهای مختلفی درباره ربا بحث کرده است، ولی بیشتر از همه در آیات سوره بقره است که هم از جهت تمثیل و تأکید و هم از جهت عاقبت‌سنجی، مسئله ربا را مورد بحث قرار داده است. از آیات ۲۷۵ که پس از آیات دعوت به انفاق و تعاون و همکاری و کمک در جامعه اسلامی است، به مسئله ربا می‌پردازد. در آیه اول، تصویر زشت و چهره بد رباخوار را می‌نمایاند:

« این

۱- «آنان که همی رباخورند، برنخیزند مگر همچون کسی که شیطان با مس خود وی را به آشفتنگی دچار ساخته.» بقره (۲)، ۲۷۵.

تصویر درونی و بیرونی رباخوار است. برای اینکه به‌طور اجمال با این تصویرسازی قرآن آشنا بشویم، مقدمتاً باید توجه کنیم که انسان محتاج آفریده شده و از جهت لباس، مسکن و غذای خاص از هر موجود زنده‌ای نیازمندتر است؛ علاوه بر این‌ها، در معرض بیماری‌های گوناگونی هم هست، و از این جهت، شاید انسان تصور کند که بیچاره‌ترین موجود است، برای اینکه حیوانات به غذای خاص خودشان اکتفا می‌کنند و با همان پر، مو و پشم که در بدن دارند، می‌توانند خودشان را از سرما و گرما حفظ کنند؛ [لباسی که] نه کهنه می‌شود و نه احتیاج به اتو دارد. برای مرغ در تمام عمر همان پروبال کافی است. این انسان پرمدهاست که لباسی را با چه زحمتی تهیه می‌کند و می‌دوزد و بر تن خود می‌آراید، و بعد از چندی چرک و کثیف و پاره می‌شود و به دور می‌اندازد.

این یک قسمت از احتیاجات انسان است. احتیاج به غذا هم [مسئله] دیگر اوست. [غذاهای خام و عادی را نمی‌تواند بخورد. به معالجه بیماری‌های گوناگون هم احتیاج دارد. این احتیاجات، از یک جهت، انسان را بیچاره کرده است و، از جهت دیگر، انسان را به سوی کمال پیش می‌برد و او را چاره‌اندیش می‌کند. آنچه انسان را به حرکت درآورده تازیانۀ احتیاج است. احتیاج است که به انسان تکامل می‌بخشد و فکر، ذهن، اندیشه و عملش را رو به کمال می‌برد، یعنی احتیاج برانگیزنده به حرکت و کار است، و حرکت و کار هم منشأ دوام فکری و روحی انسان می‌شود. سپس انسان مستقیم می‌شود. انسان مستقیم بر روی پای خود می‌ایستد و به فکر خود تکیه می‌زند. پس از این مقدمه برمی‌گردیم به آدم‌های مفت‌خوار. از همه مفت‌خوارتر رباخوار است؛ یعنی هیچ کار و حرکت و عملی در او نیست و از پول، پول درمی‌آورد. سر جای خود نشسته است و از کالا، کالا جذب می‌کند؛ چه ربای پولی و چه ربای جنسی. در نتیجه هم فکرش از کار می‌افتد و هم نیروی بدنی‌اش. اگر ما برای کارگر دلسوزی می‌کنیم که محروم است، از طرف دیگر، باید با آن دید به او نگاه کنیم که سالم‌ترین فرد است؛ چون دائماً در حرکت و فعالیت است. آن اشراف رباخوار مفت‌خور آن چیزی را هم که دارد نمی‌تواند بخورد، زیرا به چندین بیماری مبتلاست. این هم آخر و عاقبتش! چون تحرک ندارد. با ربا پول می‌دهد و پول می‌آورد. از این جهت، قیام

رباخوار قیامی معتدل نیست، قیام جن زده است، قیام انسان دیوانه است؛ یعنی نه فکری دارد، نه اعتدال مزاج دارد و نه اعتدال اخلاق. به این مقدمه توجه کنید که «... آنانی که ربا می‌خورند، نمی‌توانند بلند شوند و

نمی‌توانند قیام کنند. یعنی چه؟ زیرا چه فردِ رباخوار و چه ملت رباخوار، اگر هم بلند شوند، مثل آدم‌های دیوانه‌اند. این عربده‌های مستانه رباخوارها، این شب‌نشینی‌ها، این حماقت‌ها و سفاهت‌هایی که دارند، همان سفیهانی که امروز فکر نمی‌کردند به چه دام و بدبختی‌ای گرفتار خواهند شد، دلیل بر بی‌شعوری این‌هاست. [این طرز رفتار] یعنی جن‌زدگی و شیطان‌زدگی. قرآن هم همین تصویر را بیان می‌کند، زیرا اقتصاد معتدل وسیله قیام انسان است؛ همان‌طور که در ابتدای سوره نساء می‌فرماید: «

«^۱ مال، از نظر اسلام وسیله است، هدف نیست. ملت‌ها باید بتوانند به وسیله مال و ثروت به خود و به فکر خود متکی باشند و راه تکامل را بیمایند. ولی انسان‌هایی [هستند که اموال خود را] به سفها می‌دهند؛ یعنی به آنان که رباخوارند. عده‌ای از این سفها هستند که باید دستشان را گرفت. قرآن می‌گوید نباید اموالی را که متعلق به همه است: «... اموالی را که از آن عموم مردم است و وسیله قیام عمومی است، به سفها داد. در اینجا مقصود از سفها، سفهای مالی است، و الا ممکن است در مسائل دیگر خیلی هم باهوش باشند، اما سفاهت مالی دارند؛ یعنی پول‌هایشان را در راه هرزگی، بی‌بندوباری، قماربازی و شب‌نشینی‌های احمقانه خرج می‌کنند. اینان سفیه‌اند. قرآن می‌گوید بروید جلو دستشان را بگیرید. برای اینکه مال متعلق به عموم است و مالکیت اختصاصی مسئله‌ای فرعی است: «

«قرآن می‌فرماید: قیام می‌کنند. ولی وقتی می‌خواهند از جا بلند شوند، این بادشده‌های از ربا و ثروت، نمی‌توانند: «لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ». مثل کسی که شیطان زده باشد یا آدم دیوانه‌ای باشد، برمی‌خیزند. چرا؟ برای اینکه شعور ندارند که بین بیع و ربا فرق بگذارند. روی بیع، کار می‌شود. کسی با زحمت و کوشش کالایی تهیه می‌کند

۱- «و ندهید به نابخردان اموالتان را که خداوند آن را قیام شما گردانیده است.» نساء (۴)، ۵.

و به فرد مصرف‌کننده نیازمند می‌دهد و در مقابل زحمتش چیزی به دست می‌آورد. ولی رباخوار فقط با پولش بهره به دست می‌آورد. و این‌ها بیع را مثل ربا می‌دانند: «^۱ این

صدایی بود که از متن جزیر العرب بلند شد. خدا بیع را حلال کرده؛ چون وسیله حرکت و تبادل است، به مانند جریان انداختن خون اقتصادی در بین مردم، ولی ربا ماندن پول است. همان‌طور که اگر خون در بدن بند بیاید، در نقطه‌ای ورم ایجاد می‌کند و اعتدال بدن از دست می‌رود. جامعه‌ای هم که رباخوار باشد، مردم نه می‌توانند قیام به حقی داشته باشند که پای فکر و اندیشه خود بایستند و نه این‌ها کسانی هستند که بتوانند قدرت قیام فردی و اجتماعی داشته باشند. و بعد می‌فرماید: «^۲ اینجا جنبه

پنددهی و عاقبت‌اندیشی است. کسانی که با این موعظه پند می‌گیرند و دست از رباخواری برمی‌دارند، آنچه را خورده‌اند، دیگر خورده‌اند، کاری به آنان نداشته باشید. خورده‌ها رفته است: «^۳ ولی خدا از این‌ها در نمی‌گذرد و به سبب حرام‌هایی که خورده‌اند باید مورد مؤاخذه قرار بگیرند. حالا فصل دیگری از زندگی باز شده است. از این به بعد مسئله دیگری پیش می‌آید: «^۴ و آنان که در جامعه

اسلامی به رباخواری برگردند، ملازم آتش‌اند. آتشی که در همین دنیا درون فکر و اخلاق و اجتماعشان را می‌سوزاند و مُخَلَد در آتش می‌مانند.

در آیه ۲۷۶ می‌فرماید: «^۵ مطلب بسیار دقیق و بلیغ است. در مقابل هم. «یَمْحَق» (محاق) یعنی رو به تاریکی و نیستی بردن، همان‌طوری که ماه به محاق فرو می‌رود و تشعشع‌اش از بین می‌رود. یعنی مالی که باید تشعشع و حرکت داشته باشد، در محیط رباخواری و با ربا رو به محاق

۱- «این بدان سبب است که گفته‌اند همانا بیع مانند ریاست و حال آنکه خدا بیع را روا و ربا را ناروا فرموده.» بقره (۲)، ۲۷۵.

۲- «پس آن که پندی آیدش از سوی پروردگارش.» بقره (۲)، ۲۷۵.

۳- «و کارش با خداست.» بقره (۲)، ۲۷۵.

۴- «و هر که بازگردد، پس همین‌ها یاران آتش‌اند. همین‌ها در آنجا جاودان‌اند.» بقره (۲)، ۲۷۵.

۵- «خدا رو به کاهیدگی و نابودی می‌برد ربا را و همی افزایش صدقات را.» بقره (۲)، ۲۷۶.

ذلت و پستی و زیردستی و مستضعف شدن و مستعمره شدن می‌رود؛ ولی در مقابل:» «در جامعه‌ای که تعاون و کمک به یکدیگر باشد، آن

جامعه نمو می‌کند و اقتصاد آن جامعه هم نمو خواهد کرد.»

«^۱ خدا دوست ندارد کسانی را که کفران نعمت خدا می‌کنند و مال را از راه غیر قانونی و نامشروعش به دست می‌آورند. و این‌ها مال را در راه غیر مشروع هم مصرف می‌کنند و غرق در گناه‌اند و اسپرند.

در آیه ۲۷۸ امر است و نهی قاطع رباخوار:»

«^۲ به قید ایمان و تنبیه ایمانی بپرهیزید

از خدا، بترسید از رباخواری که نه در دنیا سود می‌برید و نه در آخرت. در دنیا انسان‌های جن‌زده دیوانه مصروعی خواهید بود که نمی‌توانید از آن اموال استفاده کنید؛ چهره‌تان هم در زندگی تاریک خواهد شد. دیدیم که هیچ رباخواری در دنیا آبرومند نبوده است. همه مردم وحتى همان کسانی هم که دستشان زیر سنگ آنان است، تف و لعنتشان می‌کنند. برای ورثه‌شان هم چیزی باقی نمی‌ماند:» «^۳ آن

قدری که از ربا باقی مانده، وقتی که سرمایه‌تان را گرفتید، مابقی را رها کنید و دستتان را از یقه مستضعفین بردارید. مستضعف بیچاره‌ای که برای صدمتر خانه‌اش از بانک پنجاه‌هزار تومان گرفته و تا حالا هشتاد هزار تومان داده و هنوز سی هزار تومان هم بدهکار است، به او رحم کنید! آدم بشوید! ولی رباخوار آدم‌شدنی نیست و باید به زور دستش را کوتاه کرد:» «در آیه ۲۷۹ اعلام جنگ همین رباخوارها با خدا و رسول

است.» «اگر دست از رباخواری برندارید اعلام جنگ کنید، جنگی که از خدا و رسول هم به شما اعلام شده؛ زیرا شما به مستضعفین و توده مردم ظلم می‌کنید و خدا طرفدار مستضعفین است. جنگ با مستضعفین و کوبیدن مستضعفین، کوبیدن اراده خداست. پس حال به جنگ

۱- «خدا دوست نمی‌دارد هیچ ناسپاس تبهکار را.» بقره (۲)، ۲۷۶.

۲- «هان ای کسانی که ایمان آورده‌اید، پروا گیرید خدای را و واگذارید مانده از ربا را اگر هستیید مؤمنان.» بقره (۲)، ۲۷۸.

۳- «پروا گیرید خدای را و واگذارید مانده از ربا را.» بقره (۲)، ۲۷۸.

با خدا و رسول برگردید. »^۱؛ اعلام کنید جنگی که از خدا و رسول شروع می‌شود. براساس تصریح قرآن در جامعه اسلامی، رباخواران، مفسدین فی‌الأرض و محارب خدا و رسول هستند.

»^۲؛ اگر توبه کردید، اسلام هم به شما سختگیری نمی‌کند؛ سرمایه‌تان مال خودتان. »^۳؛ نه به مردم ظلم کنید نه به خودتان. به شرط اینکه دست از ربا بردارید، سرمایه اصلی‌تان را هم از شما نمی‌گیریم. در آیه ۲۸۰ آمده است: »^۴ بدهکاری که اصل سرمایه را بدهکار است، در فشار و سختی نمی‌تواند دینش را ادا کند. به همین سبب، مهلتش بدهید تا دستش باز شود و بتواند خود را جمع کند و روی پای خود بایستد تا بتواند دینش را ادا کند. »^۵؛ اگر از او بگذرید برای شما بهتر است؛ البته اگر مردمی عالم باشید نه جاهل. اگر عواقب کار را بسنجید و اگر به فکر خودتان باشید. این آیات در سوره بقره هم رباخوار را توصیف کرده و هم عواقب ربا را بیان کرده است. در اجتماع رباخوار امروز دنیا، که بانک‌ها و ربا وابسته به استعمارگرها و سرمایه‌های بین‌المللی است و برای تذلیل و تضعیف و مکیدن خون ملت‌هاست، جامعه انقلابی اسلامی چگونه می‌تواند نسبت به این مسئله بی‌تفاوت باشد؟ امیدوارم که خداوند، همان‌طور که با همت و با قیام مردم، ملت را از شر طاغوت نجات داد، از دنباله‌های طاغوت و زندگی طاغوتی، یعنی همان بانک‌ها و رباخواری نیز نجات بدهد و اقتصاد سالم که در حکم خون سالم است، در پیکر اجتماع به جریان بیفتد و قیام ملت، قیام خدایی باشد، نه مثل قیام رباخوار که قیام شیطانی و دیوانگی است. سرانجام قیام شیطانی هم شکست و رسوایی است.

۱- «اگر چنین نکردید پس آماده و پذیرای جنگی شوید که از سوی خدا و پیمبر اوست.» بقره (۲)، ۲۷۹.

۲- «و اگر وامده دچار تنگدستی باشد، پس از مهلتی باید تا گشایشی یابد.» بقره (۲)، ۲۸۰.

۳- «نه ستم کنید و نه ستم شوید.» بقره (۲)، ۲۷۹.

۴- «اگر وامدار دچار تنگدستی باشد، پس مهلتی باید تا گشایشی یابد.» بقره (۲)، ۲۸۰.

۵- «و اگر بخشایش کنید بهتر است.» بقره (۲)، ۲۸۰.

احمد جلالی: همان طور که ایشان فرمودند، آیاتی که مورد بحث قرار گرفت، آیاتی از سوره بقره بود: »

« دیدیم منطق کسانی که می خواهند بدون انجام دادن کاری و با انباشتن سرمایه، تنها گوشه‌ای بنشینند و از سرمایه‌شان سرمایه تولید کنند، این بود که مگر بیع، یعنی معامله حلال و داد و ستدی که در آن کار صورت می‌گیرد، چه فرقی با ربا دارد؟ همان طور که شنیدید اینها منطقی مثل آدم‌های جن زده، دیوانه و مسخ شده دارند. پول در نظر انسان عادی، انسانی که بر اساس فطرتش زندگی می‌کند و بر اساس فطرتش می‌اندیشد و استدلال می‌کند، برای رفاه بیشتر است. پول برای این است که در خدمت انسان قرار گیرد؛ ولی وقتی پول و ثروت جمع شد، کم‌کم انسان را مسخ و ذهن او را جن زده و شیطان زده می‌کند و خود پول هدف می‌شود. برای سرمایه‌داران بزرگ، خود پول و انباشتن آن و چپاول و غارت هدف می‌شود، یعنی از این کار لذت می‌برند. این است منطق جن زده و دیوانه! از نظر راکفلر^۲ خود پول هدف است. ما نمی‌توانیم بگوییم سرمایه‌دار با انباشتن میلیاردها و میلیون‌ها تومان بر روی هم برای خود وسایل رفاه درست کند. این مسئله منطق ندارد، بلکه این کار مسخ شده و منطق دیوانه و جن زده است. چنین شخصی انسانیت خود را از دست داده است. استدلال او این

۱- «آنان که همی ربا خوردند، برنخیزند مگر همچون کسی که شیطان با مس خود وی را به آشفتگی دچار ساخته، این بدان سبب است که گفته‌اند همانا بیع مانند رباست و حال آنکه خدا بیع را روا و ربا را ناروا فرموده، پس آنکه پندی آیدش از سوی پرودگارش و باز ایستد برای اوست مال گذشته و کارش با خداست و هرکه بازگردد، پس همین‌ها یاران آتش‌اند، همین‌ها در آن جاودان‌اند.» بقره (۲)، ۲۷۵.

۲- راکفلر (Rockefeller): (۱۸۳۹-۱۹۳۷) یکی از معروف‌ترین صاحبان صنایع ایالات متحد آمریکا است. اهمیت راکفلر در زندگی اقتصادی آمریکا از دو حیث جالب توجه است. اول اینکه او سازمانی برای جمع‌آوری و فروش مواد نفتی ایجاد کرد که تا حدی در تثبیت بهای نفت در سرتاسر جهان مؤثر بود؛ و دوم اینکه در نتیجه توفیقی که حاصل کرد، مرحله صنایع بزرگ را به وجود آورد و به ترویج آن پرداخت. مصاحب، غلامحسین، همان، ج ۱، ص ۱۰۶۲. (ویراستار)

اندازه پوچ است که می‌گوید: «منطق این است که معامله با ربا فرق دارد. در معامله عادی کار انجام می‌شود. توزیع کالا و در دسترس مردم قرار دادن آن تجارت و کسب و کار است. ما با تجارت سالم، کالا را در دسترس مردم قرار می‌دهیم و برای آنان قابل استفاده می‌کنیم. اما وقتی سرمایه‌ای جایی انباشته شود و فرد بدون اینکه کاری بر روی آن انجام دهد، از آن بخورد و خون دیگران را بمکد، حرام است و حرمت دارد. اصولاً هر سودی که جز از طریق کار، یعنی جز از طریق مشروع و مشروط به دست آید، این شبهه حلال نبودن را دارد. حال ممکن است خود انسان مستقیماً این کار را انجام دهد یا اینکه کار شخص دیگری به کسی منتقل شود، مثل اینکه حاصل کار پدر با میل او به فرزندش منتقل شود. به هر صورت سودی که بدون انجام کاری به دست آید، مورد اشکال خواهد بود.

کلام علی (ع) این است: «هر کس که تجارت و کسب و کار کند، بدون اینکه به معارف دینی علم داشته باشد، بدون اینکه تفقه کرده باشد و آیات و احکام خدا را دریافته باشد، در ربا غوطه‌ور می‌شود و کارش آلوده به ربا می‌شود؛ یعنی وقتی که از معاملات و حیثیت از لحاظ فقه و احکام واقعی خداوند آگاهی نداشته باشد، گرفتار ربا می‌شود. ما باید با این اهمیت عظیم به ربا نگاه کنیم. ربا بر همه بازار و تجارت ما پنجه انداخته است. اشخاصی می‌خواهند از ربا فرار کنند و خود را به آن آلوده نکنند، اما سیستم اقتصادی سرمایه‌داری غیراسلامی آن‌چنان به بازار ما پنجه افکنده که نمی‌توانیم از آن فرار کنیم. این کار دشواری است. کاری است که به انقلابی واقعی و همه‌جانبه در درون بازار و روابط اقتصادی ما احتیاج دارد. کار دولت قدم اول بود. اگر این کار به طور واقعی انجام شود، آغاز دگرگونی بنیادی عظیمی در جهت اسلامی کردن تدریجی اقتصاد ملت ما خواهد بود. همواره در طول تاریخ اسلام، یعنی از ۱۴۰۰ سال پیش تا کنون، مشاهده کرده‌ایم که در دوره‌ها و ادوار مختلف، برای اینکه به کاری که واقعاً ربا بوده جنبه شرعی بدهند و به اصطلاح کلاه شرعی درست کنند، حیل‌های زیادی اندیشیده شده.

در هر دوره‌ای، متمولین و سرمایه‌داران این مسئله را توجیه کرده و نوعی جنبه کاذب شرعی برای آن درست کرده‌اند. امام علی (ع) این مسئله را به طور جالبی در نهج البلاغه از قول پیغمبر (ص) نقل می‌کنند. من چند عبارتی از نهج البلاغه می‌خوانم تا متوجه شوید که از لحاظ اسلامی چه وضعی بر اجتماع ما، بر بازار اسلامی ما، که بسیاری از افرادش نمازخوان هستند، حاکم است. علی (ع) نقل می‌کند که پیغمبر (ص) به من فرمودند: «

«^۱ با شبهه‌های دروغ و با رؤیاهای و خیالات کاذب و غافل‌کننده خود حرام خدا را حلال می‌کنند:» «سعی می‌کنند به نحوی موضوعی را که واقعاً حرام است، حلال کنند:» «^۲ خمر و شراب را با نیت^۳ حلال می‌کنند؛ یعنی می‌گویند که این شراب نیست، نیت است. بنابراین، عنوان خمر را برمی‌دارند تا بتوانند به اصل کار بپردازند!» «^۴ عنوان رشوه را بر می‌دارند و می‌گویند این هدیه است! زیرا هدیه در اسلام حلال است. خوب، طبیعتاً الان در جامعه ما به علت ضربه و تکانی که این انقلاب عظیم اسلامی به مردم داده، دیگر کسی تقاضای رشوه نمی‌کند! حتی مردم هم دیگر توقع ندارند که کارشان در مقابل رشوه انجام شود. اما ما باید آگاه باشیم که این رشوه به شکلی تغییر شکل ندهد و در قالب دیگری و با کلاه شرعی پیدا شود. می‌گوییم این کار را برای من انجام داد! من هم در عوض هدیه‌ای برایش می‌برم. اگر واقعاً این طور باشد، اشکالی ندارد. اما اگر احساس کنیم که اگر هدیه‌ای ندهیم، طرف طور دیگری رفتار می‌کند و برای اینکه مبادا اسم رشوه به میان آید و بعد در دادگاه انقلاب محاکمه شود، عنوان هدیه را متداول کنیم. این همان چیزی است که پیامبر (ص) پیش‌بینی کردند:» «کسانی می‌آیند و برای اینکه ربا را حلال کنند، شکل ظاهری خرید و فروش به آن می‌دهند. ماجراهایی که زیاد دیده‌ایم و من

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۵۶.

۲- همان.

۳- شرابی که از خرما یا مویز یا عسل سازند. دهخدا، علی‌اکبر، لغتنامه.

۴- همان.

وارد جزئیاتش نمی‌شوم. کسانی که دست‌اندرکار بازار هستند یا به سبب گرفتاری و بدبختی سراغ متمولین و بانک‌ها و حتی افراد دیگر رفته‌اند، می‌دانند که چه بازی‌هایی انجام می‌شود تا چیزی را که واقعاً ربا بوده، به شکلی و با عنوان کاذبی حلال کنند و به عنوان بیع و خرید و فروش در عرصه بازار مطرح شود. در آیاتی که خوانده شد، به وضوح مسئله توضیح داده می‌شود:»

«؛ ولی ربا مثل بیع نیست؛ خدا بیع را حلال و ربا را حرام کرده است. این مسئله کاملاً صراحت دارد. معلوم می‌شود که واقعاً ربا غیر از بیع است. اگر بخواهیم بر هر نوع ربا و بر هر نوع گرفتن سود، بر اساس سرمایه‌ای که ما روی آن کار انجام نمی‌دهیم، عنوان کاذبی بگذاریم، طبیعتاً ممکن است دیگر چیزی که عنوان ربا داشته باشد، اصلاً پیدا نشود! ولی واقعیت این است که ربا به معنی اسلامی‌اش ریاست و با هیچ عنوانی نمی‌شود به آن حلیت داد. من وارد جزئیات فقهی‌اش نمی‌شوم. اگر اصل بر این باشد که این ریاست، ما نمی‌توانیم به سادگی با زبان و عناوینی که بدون پایه‌های فقهی باشد و بدون اجازه مراجع با تقوای روشن‌بین و عالم به زمان، عنوان مسئله را عوض کنیم.»

«^۱ اگر کسی این موعظه و پند و ارشاد خدا را که می‌فرماید ربا را رها کنید و به قول آقای طالقانی دست از گریبان این مردم بدبخت بردارید، اگر کسی این را شنید و عمل کرد، می‌توان از کارهای گذشته‌اش گذشت:» «و حسابش با خداست. اما اگر کسی دوباره به این کار پرداخت و به رباخواری ادامه داد:»

«این‌ها در آتش جاودان‌اند. در آتشی که از همه جوانب زبانه خواهد کشید و همه چیز آنان را نابود خواهد کرد. اگر یادتان باشد امام در یکی از گفته‌هایشان درباره همین مسائل می‌فرمودند که من اول گرانفروشان را موعظه می‌کنم: ای کسانی که اموال ضعفا را به بهانه‌های مختلف می‌خورید و مال را بدون اینکه کاری انجام داده باشید و مستحق آن باشید، جمع می‌کنید. من اول

۱- «پس آنکه پندی آیدش از سوی پروردگارش و باز ایستد برای اوست مال گذشته و کارش با خداست و هرکه باز گردد پس همین‌ها یاران آتش‌اند، همین‌ها در آن جاویدان‌اند.» بقره (۲)، ۲۷۵.

شما را موعظه می‌کنم. کاری نکنید که تکلیف شرعی برای من پیدا شود. تکلیف شرعی پیدا شدن یعنی همان چیزی که در آیه ۲۷۸ سوره بقره مطرح شده است: »

«^۱ ای مؤمنین، ای کسانی که ایمان آوردید، ای کسانی که ادعای ایمان و اسلام می‌کنید، ای کسانی که فریاد انقلاب اسلامی برآوردید، » «تقوا داشته باشید، از خدا بترسید و » «اگر ایمان دارید. این نصیحت است. این کار را نکنید، تقوا داشته باشید و از خدا بترسید. گفته امام این است که من شما را نصیحت می‌کنم، موعظه می‌کنم، و اگر گوش ندادید: »

«^۲ اگر این کار را نمی‌کنید، پس به خدا اعلام جنگ بدهید. تکلیف شرعی ای که امام فرمودند یعنی همین. مسئله اعلام جنگ است. مسئله این است که ملت مستضعف و مسلمان، همان‌طور که حق خود را گرفت و طاغوت بزرگ را سرنگون کرد، جنگ با شما را هم آغاز خواهد کرد. این جنگ شکل‌های مختلف دارد. مستضعفین از لحاظ فطری آگاهی به دست می‌آورند و حقوق خود را می‌شناسند و برمی‌آشوبند. همان‌طور که برآشفتند. همان‌طور که شورش کردند. همان‌طور که »

«^۳ همان‌طور که فرعون و هامان چیزی را که از آن می‌ترسیدند، اراده خداوند آن را نشان داد؛ از طریق دست‌های پیوسته و به هم متصل و متحدشده مستضعفان. » «^۴ آماده جنگ با خدا باشید. رسماً اعلام جنگ می‌بینید: »

«^۱ محاق حالت آخر ماه است. در روزهای میانه، ماه پر و کامل و درخشنده است و در روزهای آخر به محاق می‌رود. حالت آخر

۱- «هان ای کسانی که ایمان آورده‌اید، پروا بگیرید خدای را و واگذارید مانده از ربا را اگر هستید مؤمنان.»

۲- «اگر چنین نکردید، پس آماده و پذیرای جنگی شوید که از سوی خدا و پیغمبر اوست و اگر توبه کنید، پس برای شماست سرمایه‌هاتان، نه ستم کنید و نه ستم شوید.» بقره (۲)، ۲۷۹.

۳- «به فرعون و هامان و لشکریانشان آنچه را از جانب آنان بیمناک بودند، بنمایانیم.» قصص (۲۸)، ۶.

۴- «خدا رو به کاهیدگی و نابودی می‌برد ربا را و همی‌افزاید صدقات را و خدا دوست نمی‌دارد هیچ ناسپاس تبهکار را.» بقره (۲)، ۲۷۶.

ماه را محاق، می‌گویند؛ حالتی که به تدریج نور خود را از دست می‌دهد. ممکن است ظاهر ربا این‌طور باشد که دارد به سرمایه می‌افزاید. ربا در لغت هم یعنی افزودن. ظاهر ربا این است که دارد به سرمایه می‌افزاید؛ اما «
 اراده خداوند این است که ربا به تدریج کاهش پیدا می‌کند و از بین می‌رود. «
 اما آن چیزی که جنبه صدقه داشته باشد، پرورش پیدا می‌کند. بزرگ می‌شود و رشد پیدا می‌کند. توجه کنید که مفهوم صدقات در اسلام چیست؟ نکته‌ای در این آیه بود: ماده ربا در لغت یعنی افزوده و «
 یعنی حتی آن چیزی که به ظاهر و به لفظ افزایش را نشان می‌دهد، خداوند آن را به تدریج کاهش می‌دهد و صدقه که ظاهراً چیزی را از انسان می‌گیرد، خدا آن را پرورش و افزایش می‌دهد: «
 اینجا چند مفهوم قرآنی عرضه می‌شود: یکی اینکه صدقات چه چیزهایی هستند؟ صدقه پول دادن به گدا نیست. در قرآن چند گونه صدقه داریم. اصولاً این مفهوم چگونه در قرآن بیان شده است؟ خود نحوه دادن صدقه مهم است: «
 که باید با قول معروف داده شود. صدقه‌های خود را با منت و آزار باطل نکنید. مفهومی که در قرآن از صدقه ارائه شده است، دقیقاً غیر از آن چیزی است که ما احتمالاً در صدقات مرسوم خودمان می‌بینیم؛ یعنی پولی به فقیر و گدایی داده می‌شود و به این شکل ظاهری. این مفهوم خیلی وسیع‌تر و عمیق‌تر و با جوانب بیشتری است.

کتابخانه آنلاین «طالقانی و زمانه ما»